

بانک جامع اطلاعات

صهیونیسم

اسلامیاد
صهیونیسم و کار مجتهد
امام خمینی (ع)

Z I O N I S M . B L O G . I R

صهیونیسم

نویسنده: گروه فرهنگی و تحقیقاتی کریم اهل بیت (علیه السلام)

در فرهنگ دشمن شناسی قرآن کریم "یهود" به عنوان دشمن ترین دشمنان برای کسانی که ایمان آورده اند توصیف شده است. خداوند متعال در آیه ای اعجازگونه می فرماید: "لتجدن اشد الناس عداوةً للذین آمنوا الیهود و الذین اشرکوا" "...بخشی از آیه ۸۲ سوره مائده) به تحقیق یهودیان را دشمن ترین دشمنان نسبت به مومنان می یابی و همچنین کسانی که مشرک شدند... در این آیه کریمه خداوند متعال گذشته از توصیف یهودیان به این عنوان با عطف مشرکان به یهود به شکلی زیبا تبعیت خارجی مشرکان را از یهودیان و نقش پشت پرده یهود را افشا می کند همانطور که دستهای جنایت کار آنان از زمان پیامبر تا کنون از جنگهای نظیر خندق تا جنگ های جهانی مشهود بوده است.

اساساً چگونگی شکل گیری صهیونیسم و رابطه آن با یهود و دین حضرت موسی علیه السلام بحثی تاریخی است که باید در کتب تاریخ به آن پرداخت اما مساله ای که اهمیت این موضوع را دوچندان می کند این است که عده ای به خاطر اغراضی خاص دست به تحریف تاریخ زده حوادث و رویداد های تاریخی را به نفع خود مصادره کرده اند و در این میان به استناد همان تاریخ تحریف شده دست بر گلوی بشریت نهاده اند. آنان از گذرگاه این حوادث تحریف شده حقوقی را برای خود تراشیده اند که برای استیفای این حقوق جعلی خواهان به استثمار کشیدن سایر ملت ها هستند. در مقابله با این تهاجم زشت تاریخی بسیاری با نوشتن کتاب ها و مقالات سعی کرده اند تا چهره کریه و سراسر ریای این تاریخ نگاران خائن را روکنند که افرادی نظیر روزه گارودی از این دست بودند اما به خاطر سیطره همه جانبه این اقلیت اکثریت ستیز بسیاری از این تقابل ها به شکست انجامیده است با این همه هر کس بنابر وظیفه انسانی خود باید تلاش کند تا صفحه تاریخ را از لوث چنین ظلم و ستم هایی پاک کند. این نوشته نیز سعی دارد به ریشه یابی واقعی و تفکیک عوامل موثر در تشکیل جنبش صهیونیسم قدمی هرچند کوچک در این مسیر بردارد.

چکیده

مقاله "قوم یهود، آیین یهودیت و علل پیدایش صهیونیسم" تحقیقی است تالیفی و حدالامکان ساده و آموزشی، که در آن به تفکیک و بررسی صهیونیسم دینی از صهیونیسم سیاسی پرداخته شده در ابتدا سعی شده اصطلاحات مهم و کلیدی تعریف شود و در ادامه با بررسی تبارشناسی قوم یهود با تفکیک تاثیر "آموزه های عهد قدیم (تورات)"; "عهد جدید (انجیل)" و نقش مسیحیان صهیونیست "در شکل گیری جنبش صهیونیسم، به شکلی روشن، دلایل مذهبی و دینی موثر در بوجود آمدن تفکر صهیونیسم را بیان کرده ایم. همچنین در تحلیل ریشه های صهیونیسم سیاسی، با تفکیک آن به ریشه های قومی - تاریخی و امپریالیستی - استعماری سعی شده است که نقش این دو در تکمیل عوامل پیدایش جنبش صهیونیسم به وضوح بیان شود.

کلمات کلیدی

آیین یهودیت؛ قوم یهود؛ صهیونیسم؛ اسرائیل؛ افسانه هولوکاست؛ پروتستانتیزم؛ صهیونیسم مسیحی؛ صهیونیسم سیاسی ایران بزرگترین و خطرناک ترین دشمن اسرائیل محسوب می شود. دشمنی ایران پس از انقلاب اسلامی به رهبری (امام) خمینی، به صورت یک دشمنی ایدئولوژیک و دشمنی واقعی درآمده و خطر افکار تندرو مذهبی در ایران از هر خطری برای اسرائیل بیشتر است. (۱)

قوم یهود و آیین یهودیت

در این بخش (۲) سعی کرده‌ایم با توجه به منابعی که در اختیار داریم و تا جایی که واقعیات تاریخی به ما اجازه می‌دهد جنبه مذهبی و الهی یهودیت به عنوان آیینی آسمانی را از تفکر مبتنی بر بنیادگرایی افراطی و مطالعه انتخابی و نژادپرستانه از تورات جدا کرده و به ریشه‌هایی پیردازیم که منجر به تشکیل فاجعه‌ای شد که امروزه مانند غده‌ای سرطانی در میان کشورهای اسلامی نمایان است. رژیم‌ها که با انگیزه‌هایی موهوم و ضد بشری آشکارا به نسل کشی پرداخته و با خوی حیوانی خویش روی جلّادان تاریخ را سفید کرده است. امروزه آنچه ما به عنوان صهیونیسم می‌شناسیم فقط گوشه‌ای از خواب هولناکی است که امپریالیسم جهانی برای ابناء بشر دیده است.

اگر چه با موجودیت رژیم جعلی اسرائیل جزئی هر چند کوچک از این خواب پریشان تعبیر شده است، اما اگر تدبیر رهبران و متفکران بشری و بیداری توده‌های مردمی نباشد بعید نیست که خودکامگان افسار گسیخته، تمدن بشری را که ثمره سالها مجاهدت مجاهدان تاریخ و آزادگان عالم است با برداشت خشک و بنیادگرایانه شان از متون تحریف شده و دست نوشته خود به ورطه نابودی و هلاکت بکشاند. آنچه آشکار است اینکه این برداشت با رویکردی غرض ورزانه در صدد انتقام از تمام ارزشهایی است که برای برپایی آن چه خون‌ها که ریخته نشده و چه هزینه‌های سنگین که بر دوش بشریت تحمیل نشده است. در این اوراق بر آنیم تا با کنار زدن پرده‌های غفلت از روی چشمان دوستان و پرده‌های تزویر از روی سفاکان منفعت پرست تا حدودی حقیقت این تفکر ضد بشری را آشکار سازیم.

حقیقت تلخی که اگر چه بسیاری برای رفع تکلیف، آن را به مساله‌ای کوچک در حد زیاده خواهی یک قوم یا یک کشور جعلی و یا حتی در نگاهی ساده لوحانه آن را به اختلافات داخلی یک کشور تنزل می‌دهند، اما واقعیت مسئله‌ای است که از بسیاری از جهات پیوندی ناگسستنی با مساله آخرالزمان و رویارویی بزرگ خیر و شر دارد.

یهودیت، آیینی آسمانی

شایسته است قبل از پرداختن به اصل موضوع نکاتی چند را متذکر شویم. یهودیت آیینی رسمی و الهی است که از جانب خداوند متعال به دست حضرت موسی (ع) بر بنی اسرائیل عرضه شد. مومنان به این آیین آسمانی می‌دانستند که این آیین تا آمدن پیامبر بعدی که نشانه‌های آن در تورات آمده است، رسمیت دارد. و این چنین بود آیین مسیحیت تا آنکه پروردگار عالمیان با فرستادن آیین محمدی (ص) جهانیان را به دین مبین اسلام مفتخر فرمود. و آن را جامع ادیان الهی پیشین معرفی کرده و همه را دعوت به پذیرش آن کرد. پیامبر اسلام اهل کتاب را در پذیرش اسلام یا ماندن بر آیین قبلی خود مخیر کرد و بسیاری هم با قبول شرایط اسلام بر آیین خود باقی ماندند.

از آنجاییکه تمامی ادیان آسمانی از مصدر و منبع واحد نازل شده‌اند از قدیم الایام معتقدان ادیان مختلف در کنار هم زندگی می‌کرده و هیچگونه تعارض قابل ذکری با همدیگر نداشتند. همانطور که امروز هم بسیاری از اهل کتاب در میان مسلمانان به راحتی زندگی می‌کنند و هیچگونه مشکلی ندارند. اما با گذشت زمان و دور شدن از عصر نبوت آیین یهودیت، رفته رفته غبار غفلت بر احکام اصیل آسمانی نشست و به جای آن، راه‌های انحرافی در جهت منفعت عده‌ای خاص گشوده شد.

گذر زمان با کمک دست‌های پلید نامحرمان کم کم آیین آسمانی یهودیت و کتاب مقدس آن را مانند مسلک‌ها و فرقه‌های غیر الهی زمین گیر کرد. و انگار این منحرف شدن‌ها و به بیراهه رفتن‌ها خاصیتی جبری، در طبیعت زمان است که گذشت زمان هر چیزی را که

در اختیار بشر قرار بگیرد منقلب می‌کند و شاید به همین خاطر پروردگار عالمیان محفوظ نگه داشتن خاتم ادیان را خود ضمانت کرد: نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون. (۳) اما به دلایلی، انحراف در آیین یهودیت بسیار عمیق‌تر از موارد مشابه خود، در تاریخ بشریت ظاهر شد تا جایی که کاملاً در تضاد با آیینی قرار گرفت که خود از دل آن برخاسته بود. امروزه در میان مومنان واقعی آیین الهی یهودیت، صهیونیسم نوعی فساد و تباهی بر مبنای ملی‌گرایی افراطی و استعمارگری شمرده می‌شود.

همانطور که در جریان انقلاب اسلامی، گروهی از یهودیان که همسو با جریان انقلاب فعالیت می‌کردند، در جریان دیدار با بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی قدس سره اظهار داشتند: (یهودیت دین الهی است متکی بر توحید و احکام خداوند که بوسیله حضرت موسی کلیم الله در تورات مقدس آورده شده، در حالی که «صهیونیسم» مانند «ایسم» های دیگر، مخلوق ذهن چند نفر از دنیای غرب است که اخیراً به عنوان یک ابزار سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و این ابزار، عاملی شده است برای نفوذ امپریالیسم در خاورمیانه و محو حقوق انسانی و خدایی عده‌ای از افراد در این منطقه.) امام خمینی قدس سره در سخنان خود با تیز بینی خاص خود تفاوت عملکرد کلیمیان حقیقی با صهیونیست‌ها را چنین بیان می‌فرمایند: (ما حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم. ما با صهیونیست‌ها مخالف هستیم و مخالفت ما برای این است که آن‌ها با همه ادیان الهی مخالف هستند. آن‌ها یهودی نیستند، آن‌ها مردمی سیاسی هستند که به اسم یهودی کارهایی می‌کنند و یهودی‌ها هم از آن‌ها متنفر هستند.) (۴)

در حقیقت می‌توان گفت که تمام هدف ما در این اوراق اثبات مدعای حضرت امام رضوان الله تعالی علیه با آوردن شواهدی علمی و تاریخی است. که ان شاء الله خواهد آمد. اما نکته دوم که باز به گونه‌ای تاکید نکته اول است، اینکه به کارگیری مکرر عبارات یهود و یهودیان و انجمن‌های یهودی به معنی یکسان نگری همه یهودیان نیست. زیرا برخی از آنها همانطور که قبلاً گذشت مبراً از همگرایی و همکاری با تشکل‌ها و شبکه‌های صهیونی و اسرائیلی هستند. سوم اینکه ذکر عبارت «ک ش و ر اسرائیل» فقط و فقط برای رساندن معنا در این اوراق آورده شده است، وگرنه با توجه به معیارهای بین‌المللی برای تعریف کشور به هیچ وجهی اطلاق کشور بر این مورد صحیح نمی‌باشد. چرا که صهیونیست‌های مهاجم سرزمین کشور فلسطین را با قوه قهریه اشغال کرده و بسیاری از ساکنان اصلی آن را اخراج یا به قتل رسانده‌اند.

و تعداد بسیاری را هم آواره کرده و کسانی هم که در فلسطین مانده‌اند از حداقل نیازها برخوردار نیستند. صهیونیست‌های اشغالگر به جای فلسطینیان اخراج شده، یهودیان ممالک مختلف را به کشور اشغال شده فلسطین منتقل کرده و جایگزین ساکنان اصلی آنجا کرده‌اند. بر این اساس رژیم صهیونیستی به عنوان یک کشور به هیچ وجه مبنا و مشروعیت حقوقی نداشته بلکه پدیده‌ای جعلی و بی‌ریشه در منطقه به حساب می‌آید. چرا که طبق قواعد و حقوق بین‌الملل کشور متضمن تعاریف و ویژگی‌هایی است که رژیم اشغالگر قدس از لحاظ جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، و نیز ملل و اقوام تحت زیست مشمول هیچ کدام از آنها نمی‌باشد. (۵)

نگاهی به ساختار قومی و مذهبی یهودیان

در ابتدا به خاطر نقش کلیدی و اساسی آیین یهودیت، ساختار دینی و مذهبی آن را به اختصار شرح داده و مطلب را پی می‌گیریم. بسیاری می‌پندارند که واژه یهودی، مانند واژه آلمانی یا انگلیسی مفهوم مشخص و روشنی دارد، و همانطور که آلمانی به کسی گفته می‌شود که از نژاد نردیک (۶) سفید پوستان، وابسته به تمدن غربی و دارای فرهنگ ژرمنی می‌باشد و به زبان آلمانی تکلم می‌کند و یک عضو ملت آلمان به حساب می‌آید یهودی هم دارای چنین خصوصیتی است. در بسیاری از موارد هم، محققان در مورد یهود به

گونه‌ای سخن می‌گویند که به نظر می‌رسد یهودیان جماعتی یکدست، یکپارچه و منسجمند. اما حقیقتاً در این مورد بخصوص این گونه نیست. اگر امروز آلمانی‌ها در کشور آلمان زندگی می‌کنند و بسیاری هم هستند که در کشور آلمان نیستند اما از بسیاری از جهات با آداب و رسوم کشورشان مشترکند، یهودیان چنین مشترکاتی را در بسیاری از موارد ندارند. برای نمونه تاریخ یهود را در نظر می‌گیریم. با شنیدن اصطلاح تاریخ یهودی چنین برداشت می‌شود که یهود دارای تاریخی مستقل و جدا از سایر ملت‌هاست و خود دارای اشتراکات منحصر به فردی است اما وقایع غیر قابل انکار تاریخی نشان می‌دهد که یهودیان در جوامع مختلفی زندگی کرده‌اند و این جوامع در شرایط زمانی و مکانی گوناگون تمدن‌ها و شیوه‌های تولید متفاوتی داشته‌اند.

مثلاً یهودی‌های یمن در قرن ۱۹ در یک جامعه عربی بیابانی و قبیله‌ای می‌زیستند، اما در همان زمان یهودیان هلند در یک جامعه شهری متمدن و مبتنی بر نظام سرمایه داری غربی زندگی می‌کردند. با وجود این واقعیت‌ها ما وقتی از تاریخ یهودی نام می‌بریم هر دو مورد به یک نسبت مد نظر ماست در حالی که از لحاظ تاریخی و علمی نمی‌توان این دو را به عنوان یک تاریخ مشترک لحاظ کرد. چرا که تاریخ یک پدیده، باید اشتراکاتی هم در نوع وقایع داشته باشد تا بتوان تأثیرات وقایع گوناگون را بر اجزا و افراد آن بررسی کرد. برای مثال وقتی انقلاب صنعتی رخ داد با توجه به دو مثالی که زده شد، تأثیراتی که انقلاب صنعتی بر کشورهای اروپایی داشت بسیار فراتر و عمیق‌تر از تأثیراتی بود که بر کشورهای نظیر یمن و کشورهای آفریقایی گذاشت. به همین خاطر می‌توان گفت که میزان اثرپذیری یهود از انقلاب صنعتی البته با فرض اینکه آن را دارای تاریخ مستقلی بدانیم متأثر از میزان تأثیرپذیری جامعه‌ای بود که در آن جامعه زندگی می‌کردند. (۷)

و به خاطر همین پراکندگی است که شخصیت و هویت آنان نیز متأثر از تمدن آن جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. همانطور که می‌بینیم یهودیان هر کشور به زبان همان کشور تکلم می‌کنند و نویسندگان آنها به زبان آن کشور می‌نویسند. و از هر جنبه فرهنگ و تمدن که بررسی کنیم متوجه می‌شویم که نمی‌توان تمدن یا فرهنگ معینی را به عنوان تمدن و فرهنگ خاص یهودی و به تبع آن تاریخ یهودی مشخص نمود و این واقعیت آشکاری است که قابل انکار نمی‌باشد و اگر هم مثال نقضی بر این مدعا پیدا شود باید وجه اشتراک آن را نه در فرهنگ و تمدن بلکه در ریشه‌های مذهبی و البته بسیار محدود برای آن قائل شد که عموماً فاقد مکان مشخصی می‌باشد.

گروه‌های مختلف یهودی به چند دسته جداگانه تقسیم می‌شوند، در تقسیم‌بندی این گروه‌ها دو اصل معتبر است که فرد با دارا بودن حتی یکی از این دو، یهودی محسوب می‌شود. این دو اصل عبارت‌اند از اصل عقیدتی یعنی اعتقاد و ایمان یهودی و دوم اصل نژادی یعنی متولد شدن از مادری یهودی بنا بر شرایطی که ذکر کرده‌اند (۸). با اعتبار اصل دوم یهودی ملحد و بی دین هم، یهودی محسوب می‌شود و این از موارد منحصر به فرد آیین یهودیت در مقایسه با اسلام و مسیحیت می‌باشد.

تقسیمات یهودیان به اعتبار اصل نژادی و محل زیست

با لحاظ کردن اصل نژادی یهودیان به ۳ دسته بزرگ تقسیم می‌شوند.

۱- سفارادی‌ها (۹): سفارادی‌ها که یهودیان مشرق زمین را می‌گویند از نسل کسانی هستند که در شبه جزیره ایبری می‌زیستند. سفارادی‌ها اشراف یهود بودند و همیشه از اینکه با اشکنازی‌ها همراه و هم محل شوند احساس شرم می‌نمودند و همیشه بین آنها و اشکنازی‌ها دشمنی دیرینه‌ای وجود داشت. اما با گذشت زمان، وضعیت کاملاً برعکس شد و در حالیکه سفارادی‌ها تبدیل به اقلیت

شدند اشکنازی‌ها در تمدن غربی و هم چنین در اسرائیل موقعیت برجسته‌ای پیدا کردند. از شخصیت‌های تأثیرگذار و مهم سفارادی‌ها میتوان به اسپینوزا فیلسوف نامدار و بنیامین دیزرائیلی یهودی که برای خدمت به اهداف صهیونیسم به ظاهر مسیحی شد و مدتی نخست وزیر انگلیس بود، اشاره کرد.

۲- یهود مشرق زمین و جهان اسلام: به اشتباه یهودیان مشرق زمین و دنیای اسلام هم سفارادی گفته می‌شوند که کاملاً اشتباه است چرا که گذشته دینی و فرهنگی آنان به کلی متفاوت است.

۳- اشکنازی‌ها(۱۰): عمده یهودیان شرق اروپا (روسیه و لهستان) را که اصلیت آنان آلمانی است، اشکنازی(۱۱) می‌گویند. اصولاً یهودیت مطرح امروزی و تمامی جنبش‌های فکری معاصر یهودی شامل جنبش یهودی روشنگری، یهودیت اصلاحگر، یهودیت محافظه‌کار، جنبش قومی دیاسپورا و پونر و خصوصاً جنبش صهیونیسم در میان اشکنازی‌ها ظهور کرد.

تقسیم یهودیان به اعتبار اصل دینی و عقیدتی

به لحاظ دینی و عقیدتی یهودیت به چند دسته اصلی تقسیم می‌شوند. که از جمله آنها می‌توان به یهودیت ارتدوکس، یهودیت اصلاح طلب و یهودیت محافظه کار اشاره کرد. یهودیت ارتدوکسی وارث یهودیت حاخامی و بیشتر، از قرون وسطی تا پایان قرن نوزدهم رواج داشت. آنها عقیده دارند تورات از جانب پروردگار نازل شده و تمامیت آن لازم الاجراست. البته آنها فقط حداکثر ۵٪ پنج درصد یهود در دنیای غرب را تشکیل می‌دهند. یهودیت اصلاح طلب در آلمان (مهد اصلاح دینی مسیحیت) ظهور کرد و نخستین فرقه‌ای بود که یهودیت حاخامی را به چالش کشید. آنها می‌کوشند عقل را بر همه چیز حاکم کنند و با جداسازی عنصر دینی از عنصر نژادی فقط عنصر دینی را الزام آور می‌دانند. برای آنها اصطلاحاتی چون بازگشت به ارض موعود، تبعید و دوران مسیحایی بی اعتبار است. یهودیت محافظه کار، جریان فکری است که معتقد است مسلک یهودیت بیانگر روح ثابت ملت یهود می‌باشد.

آنان اعتقاد دارند که یهودیت قادر است خود را به مقتضیات زمان منطبق سازد. آنان دین یهود را روح قومیت می‌دانند که این همان دیدگاه صهیونیسم است، اما با این همه مسائل دینی در اسرائیل در اختیار کامل یهودیت ارتدوکسی است. البته اصلاح طلبان و محافظه کاران عقیده ندارند که تورات از جانب خداوند نازل شده بلکه از نظر آنان تورات مجموعه‌ای است از گفتارهای حکیمانه و افسانه‌های مردمی که پروردگار به پیامبران الهام کرده است از این رو انسان حق دارد بر حسب خرد خود یا مقتضیات زمان در آن دخل و تصرف کند و شعائر را تغییر یا در بعضی موارد حذف کند. یهودیت اصلاح طلب و محافظه کار، حاخام شدن زنان و هم جنس بازی و حاخام شدن همجنس بازان را مجاز می‌شمارند.(۱۲) امروزه بزرگترین تجمع یهود در جهان یهود آمریکاست. یهودیان آمریکا سفیدپوست و اکثریت قاطع آنان اشکنازی(۱۳) می‌باشند.

به لحاظ دینی یهود ایالات متحده به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: یهودیان قومی و لادری‌ها و دیگری مذهب گرایان. اینها گروه‌های یهودی مصلح در جهان هستند با اینکه گروه‌هایی هم وجود دارند که به لحاظ کمی دارای اقلیت می‌باشند. مانند یهودیان فلاشا که یهودیان اتیوپی‌اند، که اساساً خارج از قلمرو یهودیت حاخامی هستند و اصلاً اطلاعی از تلمود ندارند. اگر چه در هر آرایش اجتماعی یا مذهبی اختلافاتی بین مرکز و اطراف آن وجود دارد اما حالت یهود و یهودیت تا حدودی منحصر به فرد است. چرا که در یهودیت اساساً مرکز مدّت مدیدی است که از میان رفته است و جریانهای پیرامونی با استقلال تام رشد کرده‌اند. اگر بگوییم که این حاصل قرون معاصر است با نگاهی به گذشته یهود می‌توان مثال نقض این مدعا را پیدا کرد.

درانجمن سنهدرین (۱۴) که در آن اقوام یهودی قرون اولیه میلادی حضور داشتند، اوضاع به همین منوال بود. در این انجمن صدوقیان حضور داشتند که آنان به یهودیتی بت پرستانه، هرمی، قاطع، خشک و خالی از ایمان به پروردگار و روز قیامت و تنها مبتنی بر قربانی دادن و عادات تخلف ناپذیر و تماماً زمینی عقیده داشتند، اما در کنار آنان فریسیان نیز حضور داشتند که به رستاخیز و لزوم اعتقاد به آخرت قائل بودند. علی رغم این اختلافات بنیادین، در کنار هم اعمال دینی را انجام می دادند از این جاست که گفته می شود یهودی تعریفی دوگانه دارد. یکی بر اساس عقیده و دیگری مبتنی بر نژاد. اما امروزه تمامی این فرقه ها و گروهها هر نوع عقیده ای که داشته باشند آیین یهودیت و پیروان آنها را یهودی نامیده اند.

اشتراکات بین یهودیان مذهبی و یهودیان ملحد (۱۵)

مورد تفر بودن از طرف ملت های میزبان

به قول مارک تواین (۱۶) نویسنده مشهور و طنزپرداز آمریکایی پاره ای از ملت ها نسبت به یکدیگر نفرت دارند اما همه ملل جهان یکپارچه از یهودیان متنفرند. (۱۷) در این خصوص عوامل زیادی را می توان به عنوان دلایل نفرت ملت ها از یهودیان نام برد. اما از آنجایی که مسیحیان در طول سالیان درازی میزبانی آنان را بر عهده داشتند دو مورد زیر را می توان از دلایل اساسی نفرت آنان از یهود نام برد:

کشتن عیسی مسیح (ع). (۱۸)

هنگامی که عیسی (ع) به پیامبری مبعوث شد زمانی بود که یهودیان از دین و آیین آسمانی خویش منحرف شده بودند. آنان با اینکه در تورات نشانه هایی از آمدن عیسی و پیامبری وی (۱۹) دیده بودند شریعت آسمانی وی را گردن ننهاده اند. تا جایی که توطئه از میان برداشتن وی را چیدند. آنان برای از میان برداشتن وی کسی را اجیر کردند که داستان آن در انجیل متی باب ۲۶ جمله های ۱۴-۱۵ چنین بیان شده است. آنگاه یکی از آن دوازده (نفر) که یهودی استخریوطی مسما بود نزد رؤسای کهنه رفته گفت: مرا چند خواهید داد تا او را به شما تسلیم کنم؟ ایشان سی پاره نقره با وی قرار دادند. و در جمله های ۴۷ - ۴۹ همان باب داستان چنین ادامه پیدا می کند: و هنوز (عیسی مسیح) سخن می گفت که ناگاه یهودا که یکی از آن دوازده بود، با جمعی کثیر با شمشیرها و چوبها از جانب رؤسای کهنه و مشایخ قوم آمدند. و تسلیم کننده او به ایشان نشانی داده و گفته بود: هر که را بوسه زنم همان است، او را محکم بگیرید. در ساعت نزد عیسی آمده گفت: سلام یا سیدی و او را بوسید... تعبیرات زشت و موهن تلمود در مورد حضرت مسیحاز دیگر عوامل نفرت مسیحیان از یهود تعبیرات زشت و موهنی است که نسبت به آن حضرت در تلمود آمده است. تا جایی که نویسنده اثر در چاپ نخست که هیچگونه حذفی در آن اعمال نشده، همیشه بعد از ذکر نام حضرت مسیح مومنانه بعدش جمله نابود باد عنصر شریر را می افزاید. (۲۰)

بغض و کینه داشتن نسبت به دیگران

از دیگر اشتراکات بین یک یهودی مذهبی و یک یهودی ملحد بغض و کینه داشتن نسبت به دیگران است. یک یهودی مذهبی یا ملحد اعتقاد دارد که یهودیان از تبار خداوند هستند اما اقوام دیگر از روحی پلید نشات گرفته اند. آنان اعتقاد دارند که یهودیان نه مانند سایر مردم بلکه حتی از لحاظ جوهری بر سایرین برتری دارند. و دیگران فقط برای این آفریده شده اند که در خدمت یهود باشند. به خاطر همین اعتقادات و با توجه به سرگذشت پر از ذلت و خواری که درآوارگی های مستمر پشت سر گذاشته اند خود را در صورت غلبه بر مردم مُحق هر ظلمی بر دیگران می بینند و اگر آنان کوچکترین مجالی پیدا کنند از هیچ گونه جنایتی در حق غیر یهودیان فروگذار نخواهند کرد. همان طور که اتفاقات چندین ساله اخیر در کشور فلسطین گویای همین مطلب است.

اعتقاد به تعلق داشتن فلسطین به یهودیان

از دیگر اعتقادات مشترک یهودیان مذهبی و ملحد بنا بر وعده‌های عهد عتیق تعلق فلسطین به آنان است. به خاطر همین مهاجرت یهودیان به فلسطین را بازگشت (به ارض موعود) لقب داده‌اند و سرزمینهای در دست اعراب را سرزمینهای بازپس گیری نشده! می‌دانند. یعنی این سرزمین به قول عهد قدیم از نیل تا فرات متعلق به یهودیان است. منتها مدتی آنان از آنجا دور بوده‌اند و به دست دیگران افتاده است. در همین معنا فقرات زیادی هم در عهد عتیق یافت می‌شود که گذشته از تعلق فلسطین به یهودیان آنان را نیز به عنوان قومی خاص معرفی می‌نماید. برای آنان فقرات زیر گویای چنین مسائلی است: آن روز خداوند با ابراهیم عهد بست و فرمود: من این سرزمین را از نهر مصر تا رود فرات به نسل تو می‌بخشم. (۲۱) قول داده ام سرزمین ایشان را به شما بدهم، تا آن را به تصرف خود درآورده، مالک آن باشید. (۲۲) خداوند به موسی فرمود: که به قوم اسرائیل بگویید: وقتی که از رود اردن عبور کردید و به سرزمین کنعان رسیدید باید تمامی ساکنان آن جا را بیرون کنید... من سرزمین کنعان را به شما داده‌ام، آن را تصرف کنید و در آن ساکن شوید... اگر تمام ساکنان آنجا را بیرون نکنید باقی ماندگان، مثل خار به چشم‌های تان فرو خواهند رفت و شما را در آن سرزمین آزار خواهند رساند

برتر دانستن خود از دیگران

یک یهودی چه اعتقادی به خدا داشته باشد چه ملحد باشد خود را سرآمد و برتر از دیگران می‌داند و این برتری را به نژاد و اصالت نژادی خود نسبت می‌دهد. در تورات با تعبیر گوناگون به این نکته اشاره شده است و ملت یهود را تافته‌ای جدا بافته از دیگران ترسیم می‌کند. چون شما قوم مقدسی هستید که به خداوند، خدایتان اختصاص یافته‌اید و از بین تمام مردم روی زمین شما را انتخاب کرده است تا برگزیدگان او باشید. (۲۳) پس خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید چون من خداوند خدای شما هستم... من خداوند خدای شما هستم که شما را از قوم‌های دیگر جدا کرده‌ام... شما را از سایر اقوام جدا ساخته‌ام تا از آن من باشید. (۲۴)

آشنایی با اصطلاحات مرتبط با صهیونیسم

بعد از این آشنایی اجمالی در مورد حقیقت آیین یهود و ساختار قومی مذهبی آنان، همچنین دیدگاه دیگران نسبت به آنان و شمّه‌ای از اعتقادات مشترک آنان لازم است برای بحث در مورد جنبش صهیونیسم و علل پیدایش آن، کلمات و اصطلاحاتی را که غالباً هم در معانی متفاوت و گاه مشترک استعمال می‌شوند به دقت مورد توجه قرار داده تا در خلال بحث، کاربرد این اصطلاحات باعث پیچیدگی مطلب نشود. لازم به ذکر است که در این جا فقط به صورت گذرا و بنابر اقتضای این بخش که با هدفی آموزشی و روشی ساده نگاشته شده است به این اصطلاحات پرداخته می‌شود و خواننده گرامی برای اطلاعات بیشتر باید به منابع تفصیلی موضوع رجوع نماید.

کشور فلسطین

حدود دوهزار و بانصدسال قبل از میلاد مسیح چند قبیله عربی به منطقه فعلی فلسطین مهاجرت کردند که بعدها کنعانیون نامیده شدند. آنان چند قبیله بودند که قبیله مهم آنان یبوسیون در شهر قدس و اطراف آن سکونت داشتند. (۲۵) اگر چه در دوران‌های گذشته به سرزمین فلسطین ارض کنعان هم گفته می‌شد اما نام فلسطین بمناسبت یکی از قبایل کریتی (۲۶) که تقریباً دوازده قرن قبل از میلاد مسیح در سواحل مدیترانه میان یافا و غزه رحل اقامت افکنده بودند و بعدها بنام فلسطینیون معروف شدند به این سرزمین داده شده است. (۲۷)

اورشلیم (۲۸)

نام مرکز کشور یهودا (فلسطین) و ناحیه‌ای در شرق دریای مدیترانه و جنوب غربی لبنان از مهمترین مناطقی است که در کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) به کرات از آن نام برده شده و به عنوان شهر داوود و سلیمان شهرت یافته است. در عهد قدیم آمده است که نام قدیمی آن شهر یبوس بوده است و پس از آنکه داوود آنجا را فتح کرد، به اورشلیم تغییر نام داده است. در فرهنگ اسلامی این نام کاربردی ندارد و عمدتاً از واژه بیت المقدس (۲۹) استفاده می‌شود. این شهر به مناسبت ساخت نخستین خانه خدا و نخستین قبله عالم توسط سلیمان نبی از قداست خاصی برخوردار است. گذشته از مسلمانان و یهودیان این شهر نزد مسیحیان نیز اهمیت دارد زیرا به عقیده آنان شهری است که حضرت عیسی در آن شهر مصلوب و در همانجا دفن شده، گرچه بنا بر روایت انجیل از محل دفن خود برخاسته است. در ادبیات عبری اورشلیم به معنای شهر سلامت و ایمنی است. (۳۰) همانطور که گذشت این نام در کتاب مقدس به کرات آمده است از آن جمله: زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد و او امت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد. (۳۱) آنگاه ایشان برگشتند به اورشلیم از کوه مسمی به زیتون که نزدیک به اورشلیم است و مسافت را یک روز سبت دارد. (۳۲) همچنین اورشلیم مکانی است که محل دفن عیسی تلقی شده و بر روی آن ضریح مقدس برپا کرده‌اند و همین شهر بود که یکی از نخستین کلیساهای مسیحیان تأسیس شد، و اولین مبلغان خبر رستاخیز مسیح را در جهان پخش کردند. (۳۳)

صهیون

از لحاظ جغرافیایی کوهی است نزدیک اورشلیم (۳۴) و یکی از چهار کوه مقدس در شهر قدس. (۳۵) طبق روایات کتاب مقدس صهیون تپه‌ای است در جنوب شرقی اورشلیم. در فرهنگ‌های یهودی آمده است که قدمت این واژه به زمان داوود برمی‌گردد. (۳۶) و قلعه‌ای داشته به نام یبوسیان که داوود یا سلیمان در قرن دهم قبل از میلاد آن را فتح کرد و معبد یا همان هیکل را بر روی آن بنا کرد که تابوت عهد در داخل آن نگهداری می‌شده است. (۳۷) این واژه در برخی نوشته‌ها مترادف تمام سرزمین اسرائیل به کار رفته و به طور وسیع در عهد قدیم مورد اشاره قرار گرفته است. بیشترین کاربرد آن را به ترتیب در کتاب‌های مزامیر و اشعیا نبی می‌بینیم. گاهی دو واژه اورشلیم و صهیون در یک معنا و گاهی جدا از هم آمده‌اند. از مهمترین مواردی که این دو واژه در کنار هم آمده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: و فرشته‌ای که به من متکلم شد مرا فرمود که ندا کرده بگو که خداوند لشکرها چنین می‌فرماید که بخصوص اورشلیم و صیون غیرت عظیم نمودم. (۳۸) همچنین در جایی دیگر: زیرا که بقیه از اورشلیم و رستگاه از کوه صهیون بیرون خواهند آمد. غیرت یهوه این را بجا خواهد آورد. (۳۹)

صهیونی

منسوب به صهیون لقبی است که قبل از تشکیل حکومت اسرائیل به کسانی می‌دادند که از تأسیس این حکومت جانبداری می‌کردند (۴۰) اصطلاحاً کسی که موافق با بازگشت یهودیان به فلسطین است.

صهیونیسم

مرام و مسلک حزب بین المللی یهود (۴۱). مسلک گروهی است که طرفدار سلطه و نفوذ یهودیان بر اقوام و ملل دیگرند. (۴۲) نهضتی است، مایه گرفته از آرمان مسیحایی طایفه بنی اسرائیل برای رسیدن به ارض موعود و تشکیل ملت و دولتی واحد. (۴۳) به قول پژوهشگر روسی یوری ایوانوف، صهیونیسم نوین، ایدئولوژی و دستگاه کثیر الشعب سازمانها و سیاست علمی بورژوازی ثروتمند یهود

است که با محافل انحصاری ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی دست اتحاد داده است. و محتوای اساسی آن عبارت است از شووینیسیم (۴۴) جنگو و ضد کارگری. (۴۵) برخلاف امروز که مسئله صهیونیسم قرابت زیادی با کشور فلسطین اشغالی و اسرائیل دارد اما در بادی امر و هنگامی که طراحان این نظریه بحث صهیونیسم را پیش کشیدند اصلاً بحث سرزمین فلسطین مطرح نبود آن روز بنابر عقاید و نظرات بنیانگذاران این مکتب فقط بحث تشکیل یک دولت یهودی و اجتماع یهودیان جهان در یک منطقه مشخص بود. همان طور که روشن شد نظریه صهیونیسم بسیار پیش تر از تشکیل دولت جعلی اسرائیل در فلسطین مطرح شد، تا به اصطلاح با جمع کردن یهودیان در یک سرزمین واحد از منافع آنان حمایت کرده و به آوارگی چند صد ساله آنان پایان دهند. هرچند از تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل کم تر از یک قرن می گذرد اما نظریه پردازی درباره ی آن به چند قرن پیش باز می گردد. و چه بسیار افرادی کوشیدند تا دولتی یهودی تشکیل دهند، اما ناکام ماندند. در میان این افراد، تئودور هرتسل روزنامه نگار مجارستانی آلمانی الاصل توانست به این نقشه شوم تقریباً جامه عمل بپوشاند.

تئودور هرتسل (۴۶)

نمایش نامه نویس و روزنامه نگاری که چیزی از فرهنگ و زبان عبری نمی دانست. پدرش بازرگانی ثروتمند بود و هرتزل در محیط مسیحی مجارستان بزرگ شد. در دانشگاه وین حقوق خواند و پس از فراغت از تحصیل به نگارش مقالات ادبی پرداخت. تا کارش بالا گرفت و به عنوان خبرنگار روزنامه "نیوفری پریس" منصوب شد. وی در جریان محکوم شدن یک افسر یهودی به نام دریفوس به جاسوسی در فرانسه وقتی افکار عمومی جامعه فرانسه به شدت بر ضد یهود به هیجان آمده بود دست به ابتکار جالبی زد. وی با بهره برداری از این حادثه با هدف کسب شهرت و تصدی رهبری جامعه یهود و ایجاد موج تبلیغات به سود آنان جزوه‌ی کوچکی را با عنوان دولت یهودی (۴۷) تألیف کرد (۴۸). وی در این کتاب یهودیان را به ایجاد یک دولت یهودی ترغیب کرد تا از فشار و ظلم کشورهای میزبان رهایی یابند. وی با بیان اینکه یهودیان هر کجا باشند و به دولت متبوع خود، هر اندازه عشق و علاقه نشان دهند و هر قدر به هم میهنان خود خدمات ارائه کنند، هرگز به ایشان اجازه داده نمی شود که در صلح و آرامش زندگی کنند یهودیان را به سوی داشتن یک کشور مستقل تشویق می کرد. هرتسل که امروزه به عنوان بانی صهیونیسم مطرح است هرگز بی ایمانی خود را نسبت به آیین یهود کتمان نمی کرد تا جایی که به گفته وی در مورد طرح صهیونیستی خود از هیچ محرک مذهبی الهام نگرفته است. (۴۹) همچنین وی در پاسخ به اینکه چه رابطه‌ای با تورات دارد، پاسخ داده بود که من یک متفکر آزاد هستم. از آنجایی که طرح وی طرحی کاملاً استعماری بود برای انجام این طرح دست به دامان قدرت استعماری انگلیس شد و مکان اجرای طرح نیز اهمیت چندانی برای وی نداشت. اما چون که در صدد استفاده از یهودیان بود دوستان وی به او گوشزد نمودند که فلسطین اسم رمزی است که در تجهیز یهودیان تأثیر بیشتری خواهد داشت. (۵۰) هرتسل که یک دیپلمات واقع بین بود از پیشنهاد آنان استقبال کرد و از آنچه خود افسانه قدرتمند می نامید یعنی "افسانه بازگشت" بهره برداری زیادی کرد. همانطور که قبلاً اشاره شد بازگشت زمانی مفهوم پیدا می کند که قبلاً مهاجرت یا آوارگی از وطن رخ داده باشد و این در مورد یهود کاملاً متنی بود. از نظر او فلسطین دارای معنای مذهبی زیادی نبود وی در این باره می گوید: در مورد سرزمین موعود می توانم همه چیز را به شما بگویم الا مکان آن را... ما باید تمام عوامل طبیعی را در نظر بگیریم... ما باید برای تجارت جهانی خود در آینده، در کنار دریا سکنی گزینیم. و برای کشاورزی خود احتیاج به سواحل و زمینهای فراوان و وسیعی داریم. و این تقریباً تعریف همان صهیونیسم جهانی است نه فقط صهیونیسم اسرائیل. در ادامه، فعالیت های هرتسل منجر به تشکیل کنفرانسهایی شد که این کنفرانسهها در پیشبرد اهداف صهیونیسم کمک شایانی کرد. (۵۱)

کنفرانسهای صهیونیستی

هرتزل در ادامه فعالیت‌های گسترده خود برای تأسیس دولت یهود اقدام به برگزاری یک سلسله همایش‌هایی کرد، تا در آن، روشهای اجرایی کردن آرمان صهیونیسم را مورد بررسی قرار دهد. این کنفرانسها غالباً در ماه اوت و در شهر بال سوئیس برگزار می‌شد. اما در بعضی موارد بنا به شرایط زمانی در شهرهایی مثل لندن، هامبورگ و... هم برگزار شده است.

اما بعد از اشغال قدس کنفرانسهای صهیونیستی در قدس برگزار می‌گردد. شرکت کنندگان در این کنفرانسها از نمایندگان گروه‌های مختلف یهودی سراسر جهان هستند. این کنفرانسها به لحاظ آثار و نتایج مطلوبی که در تحقق اهداف جنبش صهیونیسم و ایجاد وحدت و انسجام میان طوایف پراکنده یهود به دنبال داشت طی یک قرن کامل از ۱۸۹۷ تا ۱۹۹۷م، ۳۳ نشست را برگزار کردند که ده مورد اخیر آن از سال ۱۹۵۱ میلادی در بیت المقدس تشکیل شده است (۵۲). بنابر نظر برخی پژوهشگران پروتکل‌های دانشوران صهیون از همین کنفرانسها نشأت گرفته است.

پروتکل‌های دانشوران صهیون

پروتکل (۵۳) پیش نویس قرارداد یا معاهده و سندی رسمی است بین دولتها که از سوی گروهی صاحب منصب به امضا رسیده باشد. دانشوران (۵۴) به معنای شیوخ و رهبران دینی یهود است. اما مفهومی گسترده‌تر از یک مفهوم صرفاً دینی دارد و امروزه متنفذین در سیاست و اقتصاد و صنعت را در بر می‌گیرد. اما در عبارت پروتکل‌های دانشوران صهیون به معنای یک باند و گروه مخفی از بزرگان یهود است که در اثنای انقلاب فرانسه موجودیت مخفی خود را تجدید کردند و همین‌ها بودند که در سال ۱۸۹۷ نخستین کنفرانس صهیونیستی جهانی خود را به ریاست دکتر تئودور هرتزل در شهر بال سوئیس برگزار کردند. اما صهیون همانطور که گذشت تل یا تپه‌ای است در اورشلیم و یک واژه کنعانی است نه عبری و حضرت داوود در قرن ۱۱ قبل از میلاد کاخ خود را بر فراز آن بنا کرد. (۵۵)

در حقیقت پروتکل‌های دانشوران صهیون برنامه عمل جهانی صهیونیست‌های سرمایه دار و اقتصاددانان یهود است برای ویران کردن بنای مسیحیت، قلمرو پاپ و در نهایت اسلام تا بتوانند بر تمام جهان استیلا یافته و بر آن حکومت کنند. با توجه به مفاد این پروتکل‌ها و دستورات مطرح شده در آن چهره کریه و وحشتناک صهیونیست‌ها نمایان شده و هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که هدف از تشکیل دولت یهود چیزی نیست جز یک حرکت استعماری جدید با ظاهری آراسته به آیین یهودیت. پروتکل‌ها که بیشتر بر اساس روحیات افراط گرایانه و نژاد پرستانه تلمود بنا شده، در ۲۴ بند تنظیم شده است، که سیاست‌های کلی صهیونیست‌ها را در زمینه‌های گوناگون روشن می‌سازد. (۵۶) صهیونیست‌ها بنا بر پیاده کردن مفاد همین پروتکل‌ها زمینه انعقاد وعده بالفور را ایجاد کردند که در تاریخ یهودیان موفقیت بزرگی محسوب می‌شود، و در تاریخ نفوذ یهودیان در دستگاه حکومت‌های استعماری نقطه عطفی به حساب می‌آید. (۵۷)

اعلامیه بالفور

لرد آرتور جیمز بالفور (۵۸) نخست وزیر انگلیس از سال ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۵م و وزیر خارجه از سال ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۹م. وی یک یهودی و صهیونیست تمام عیار بود. بعد از اینکه کنفرانس ششم صهیونیستی، طرح وی، مبنی بر واگذاری سرزمین اوگاندا به یهودیان را رد کرد بی درنگ طرح مکتوبی را در خصوص اسکان یهودیان در فلسطین آماده ساخت. تا نهایتاً وزارت خارجه انگلیس در دوم نوامبر ۱۹۱۷ اجازه تأسیس وطن ملی برای یهودیان را در فلسطین صادر کرد. نامه‌ای که بالفور وزیر وقت امور خارجه انگلیس خطاب به

ثروتمندترین یهودی آن زمان "لرد روچیلد" (۵۹) ارسال داشت که در آن آمده بود: لرد روچیلد عزیز: بسیار خوشوقتم که از سوی دولت اعلی حضرت، بیانیه ذیل را که در خصوص عنایت حکومت، به آمال صهیونیسم، تقدیم دولت شده و با آن موافقت شده است، را اعلام نمایم ... دولت اعلی حضرت، تأسیس وطن ملی برای یهودیان در فلسطین را با نظر موافق تلقی می کند و برای رسیدن به این هدف مساعی حسنه خود را به کار خواهد برد. مشروط بر اینکه هیچ نوع اقدامی که به حقوق ملی و مذهبی جماعات غیر یهودی در فلسطین و یا به حقوق و موقعیت سیاسی یهودیان در کشورهای دیگر لطمه بزند انجام نگیرد. (۶۰)

در زمان صدور اعلامیه بالفور (نه دهم) جمعیت فلسطین را اعراب تشکیل می دادند و تنها (یک دهم) آن یهودی بودند، که تازه نیمی از آنان را مهاجران جدید الورود تشکیل می دادند. اما در متن اعلامیه حتی یک بار از ساکنان اصلی نام برده نشده بود و اگر جایی لازم بود از آنان نام برده شود، با عنوان غیر یهودی (۶۱) نام برده شده بود در حالی که چهارده بار به کلمه یهود و مؤسسات یهودی تصریح کرده بودند. و چنان از آنان یاد شده بود که گویی کاملاً قضیه برعکس است و تنها اعراب جمعیت فلسطین را تشکیل می دهند. علاوه بر این در متن اعلامیه از کلماتی استفاده شده بود که از ابهام معنایی بالایی برخوردار بودند مانند وطن ملی، حقوق ملی و ... که بعدها در سایه همین ابهامات بسیاری از حقوق فلسطینیان مورد تعرض اشغالگران قرار گرفت. بعد از صدور اعلامیه بالفور، فرانسه، ایتالیا و روسیه آنرا مورد تأیید قرار دادند و آمریکا با ابزار خوشحالی خبر از تشکیل یک دولت یهودی داد. شش هفته پس از صدور اعلامیه بالفور، انگلیس بیت المقدس را در نهم دسامبر ۱۹۱۷م به تصرف خود درآورد و در یازدهم دسامبر ژنرال آلن بی فرمانده نظامی انگلیس که خود یهودی بود وارد بیت المقدس شد و در میان مردم اعلام کرد: امروز جنگلهای صلیبی به پایان رسید! (۶۲)

اما زمینه های پیدایش اعلامیه بالفور و تصرف بیت المقدس را می توان در موارد زیر خلاصه کرد. با آغاز جنگ جهانی اول نگرانی شدیدی جهان را فرا گرفت. این جنگ برای انگلیس بسیار نگران کننده بود و به این می اندیشید که چگونه آمریکا را وارد جنگ سازد تا از این طریق جبهه خود را تقویت کند و از آنجایی که یهودیان قادر بودند آمریکا را وارد جنگ سازند انگلیس دست به دامان یهودیان شد. صهیونیست ها که مترصد چنین فرصتی بودند بی درنگ وارد مذاکره شده و تعهد دادند که در مقابل تشکیل دولت یهودی در فلسطین به پشتیبانی انگلیس، یهودیان، آمریکا را به هر نحوی وارد جنگ خواهند کرد. (۶۳)

با این حساب یکی از آتش افروزان اصلی جنگ جهانی اول صهیونیست ها بوده اند، که با این عمل بزرگترین پیروزی را نصیب خود کردند. از سوی دیگر با تصویب قرارداد بالفور توسط انگلستان نظر یهودیان پراکنده و ثروتمند دنیا خصوصاً یهودیان مقتدر آلمان و اتریش به سوی انگلستان جلب می شد. از دیگر دلایل صدور اعلامیه بالفور اینکه انگلیس در ابتدا در نظر داشت که فلسطین را که از لحاظ سوق الجیشی به اندازه کانال سوئز اهمیت داشت، در محدوده مستعمرات خود نگه دارد و سپردن آن به دست صهیونیست ها با اعلامیه بالفور بهانه ای به دست انگلستان می داد تا هنگام تقسیم میراث امپراتوری رو به انقراض عثمانی، تقاضا کند که فلسطین در قسمت سهمیه او باقی بماند. (۶۴)

اسرائیل

معادل با خدا (۶۵)، نامی که به یعقوب و یهود داده شده است. (۶۶) در زبان عربی اسری یعنی عبد و ئیل یعنی الله مجموعاً به معنای بنده خدا (۶۷). این واژه ۴۳ بار در قرآن به کار رفته است. (۶۸) اسرائیل در اصطلاح متداول امروزی به دولت صهیونیستی گفته می شود که در سال ۱۹۴۷ بسیاری از مردم کشور فلسطین را از خانه و کاشانه خویش بیرون راندند و با حمایت قاطع کشورهای انگلیس و آمریکا سرزمین فلسطین را اشغال کردند.

ضدیت ازلی با یهود

این اصطلاحی بود که بزرگان قوم یهود برای محصور کردن یهودیان، و اعمال کنترل بیشتر بر آنان، جعل کردند. و آن را به این خاطر تبلیغ می‌کردند تا تخم بدگمانی و بی‌اعتمادی در یهودیان نسبت به دیگران را در دل‌های آنها بیافشاند تا بدین وسیله یهودیان را بر علیه غیر یهود برانگیزند. صهیونیست‌ها بیشترین استفاده را از این اصطلاح جعلی بردند. بزرگان اعم از عالمان دینی و سیاسی به خاطر درهم شکستن دیوارهای گتو (۶۹) و مخلوط شدن یهود در میان سایر اقوام بواسطه پیشرفت‌های بشری برای اینکه یهودیان را در یک گتوی معنوی در اختیار خود بگیرند، بحث ضدیت ازلی با یهود را بنیان نهادند. تا آنجا که ل. بیسینگر کراراً اظهار می‌دارد که ضدیت با یهود یک بیماری دماغی (روانی) علاج ناپذیر است و طی هزاران سال به نسل‌های متعدد به ارث رسیده است. (۷۰) و تا آنجا پیش رفتند که گفتند: علت اصلی و اساسی ضدیت با یهود وجود خود یهودیان است! (۷۱)، تا با دستمایه قرار دادن این مساله بگویند که مطمئناً یهودیان همیشه وجود دارند پس ضدیت با یهود هم همیشه وجود دارد، و به تبع آن از بابت از دست دادن این سلاح قدرتمند خیالشان راحت باشد، و همیشه بتوانند با زدن انگ ضد یهودی به دشمنان خود و سوء استفاده از احساسات بشری، در تحقق اهداف پلید خود بکوشند. امروزه از ضدیت ازلی با اصطلاح یهود آزاری (۷۲) نام می‌برند.

حتی صهیونیست‌های امروز که فلسطین را سرزمین آبا و اجدادی خود می‌دانند در جواب اینکه چرا یهودیان از آن آواره شده‌اند پاسخ می‌دهند که یهود آزاری باعث آوارگی آنان شده (۷۳)، در حالی که سیسیل ورث می‌نویسد: به هرحال نباید پنداشت که مهاجرت یهودیان به اروپا در اصل ناشی از بردگی بود بلکه عامل تجارت نیرومندتر از جنگ بوده است (۷۴). صهیونیسم رسالت یهود آزاران را تحریک و اجبار یهودیان به مهاجرت به فلسطین می‌دانست و این همان دلیلی است که باعث شد تا سران صهیونیسم تن به مذاکره پنهانی با هیتلر بدهند. چرا که هیتلر در کوچاندن بالاجبار یهودیان آلمان به فلسطین و تشکیل دولت صهیونیستی حق بزرگی به گردن شان دارد. اما از طرف دیگر یهودیان با اخلاق و خصوصیات خاصی که داشتند از جمله خودبرتر بینی، جاسوسی، فعالیت‌های غیر تولیدی و دهها صفت زشت و پلید دیگر همیشه مایه دردسر میزبانان خود را فراهم می‌آوردند.

این‌ها زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا یهودیان را در فشار و تنگنا قرار دهند. آنان برای داغ ننگ داشتن تنور یهودی ستیزی که به گفته بزرگان‌شان سخت به آن نیاز داشتند حتی به هم کیشان خود هم رحم نمی‌کردند تا جایی که وقتی انگلستان مهاجرت به فلسطین را محدود کرد و به سرنشینان کشتی پاترینا اجازه پیاده شدن در خاک فلسطین را نداد دستگاه اطلاعاتی یهودیان صهیونیست تصمیم گرفت کشتی را با کلیه سرنشینان آن که بیش از ۲۰۰ تن از یهودیان مهاجر آلمانی بودند، نابود کند و نهایتاً چنین کردند. و هیچگاه منشأ انفجار رسماً معلوم نشد اما در فلسطین و سایر کشورها این افسانه را رواج دادند که ساکنان کشتی، خود، کشتی را منفجر کرده‌اند و در رسانه‌ها از آن به خودکشی دسته جمعی تعبیر کردند. و علت آن را چنین قلمداد کردند که آنان مرگ را بر جدایی از وطن ترجیح دادند و پیش بینی می‌کردند که این کار افکار دیگران را بر علیه انگلستان و قوانین محدود کننده مهاجرت می‌شوراند و به واسطه آن روح یهودیت در دیگر یهودیان تحکیم می‌یابد. (۷۵) در بسیاری از مواقع یهودیان چنان تنفر دیگران را بر می‌انگیختند که باعث اخراج آنها از کشور میزبان می‌شدند.

در این مورد تاریخ نمونه‌های زیادی را ثبت کرده است از جمله: رانده شدن یهودیان از انگلیس در سال ۱۲۹۰ م و اخراج آنان از فرانسه توسط فیلیپ پادشاه فرانسه در سال ۱۳۰۶ م همچنین از مجارستان در سال ۱۳۶۰ م و از بلژیک در سال ۱۳۷۰ م و اخراج آنان توسط

بریخت پنجم پادشاه اتریش در سال ۱۴۲۰م و از هلند در سال ۱۴۴۴ م از ایتالیا در سال ۱۵۴۰ م و اخراج آنان از آلمان در سال ۱۵۵۱ م و نمونه‌های زیادی که در تاریخ ثبت شده است. اما سیاستمداران مکار یهود توانستند از این خصیصه مورد تنفر بودن یهود یک اسطوره‌ای را خلق کنند که بیشترین کمک را در رسیدن به اهدافشان ایفا کند. به قول هرتزل، سران یهود، یهود ستیزان را به عنوان بهترین متحدان خود به حساب می‌آورند و با سوء استفاده از این واقعیت (خصایص زشت یهود و به تبع آن مورد تنفر بودن آنان) لحظه به لحظه خود را به آرمانهای کثیف خود نزدیک‌تر می‌کنند. آنان یهود ستیزی را به عنوان عاملی قوی برای استمرار کمک‌ها برای اداره دولت صهیونیستی می‌دانند. هرگاه احساس کنند که منابع این حرکت در حال افول است خود اقدام به برافروخته کردن آن می‌کنند، همانطور که بعد از سرکوب شدن فاشیسم به فکر منابع جدید یهود ستیزی افتادند.

بن گوریون در این زمینه می‌گوید: من از اعتراف بدین نکته شرم ندارم که اگر قدرت می‌داشتم - چنانکه آرزویش را دارم - گروهی از جوانان کاری را جدا می‌کردم، جوانان هوشمند، شایسته و فداکار نسبت به آرمان‌ها و مشتاق و آرزومند کمک به رهایی یهودیان آنوقت این جوانان را به ممالکی می‌فرستادم که یهودیانشان غرق در خود خواهی گناه آلوده‌اند. وظیفه این جوانان این بود که خود را غیر یهودی جلوه دهند... و یهودیان را با شعارهای ضد یهودی به ستوه آورند. شعارهایی مانند یهودی قاتل، یهودی برگرد به فلسطین... من قول می‌دهم که نتیجه کار، از لحاظ مهاجرت، هزاران بار بیش از نتایج موعظه هزاران فرستاده‌ای بود که در گوش‌های ناشنوا خوانده‌اند. (۷۶) یهودیان برای اینکه مقداری از میزان نفرت غیر یهودیان نسبت به خود را بکاهند و ورود غیر قانونی خود به فلسطین و اخراج و کشتار مردم آنجا را تا حدودی توجیه کنند بنابر مقتضیات زمان دست به تحریف تاریخ برده و دروغها و افسانه‌هایی برای مظلوم نمایی خود جعل می‌کردند که از جمله آنها می‌توان به افسانه هولوکاست اشاره کرد. امروزه بهترین و مطرح ترین مصدان یهودی ستیزی نظریه موهوم و مجعول هولوکاست می‌باشد که به بررسی اجمالی آن می‌پردازیم.

افسانه هولوکاست (۷۷)

هولوکاست سناریویی است که صهیونیست‌ها آن را برای جلب توجه افکار دنیا، توجیه اشغال فلسطین، زیر پا نهادن قوانین بین المللی و نهایتاً برای اخاذی از کشورهای اروپایی طراحی کردند. آنان مدعی شدند که هیتلر حرکتی هدفمند و پایدار را برای قتل عام یهودیان طراحی و به اجرا درآورد که طی آن ۶ میلیون یهودی! کشته شدند. طبق این ادعا، بخش عمده‌ای از این جمعیت در اتاق‌های گاز کشته شد و سپس در کوره‌های آدم سوزی نابود شدند و بعد از سوزاندن، نازی‌ها از چربی اجساد این قربانیان صابون تولید کردند! با این همه افسانه هولوکاست نظریه‌ای سست بنیاد نیست، بلکه بر عکس ساختار آن از انسجام درونی برخوردار است و اصول بنیادیش منافع سیاسی و طبقاتی عظیمی را تداوم می‌بخشد. امروزه از این واقعه به عنوان کشتار مقدس یهودیان یاد می‌شود و چنین تبلیغ می‌شود که آنان مانند قربانیانی بودند که به پیشگاه خداوند تقدیم شدند.

آنها از این اسطوره خودساخته چنان تبلیغی به عمل آوردند که حتی کتاب‌هایی در موضوع یهودی سوزی جزء مواد درسی لازم در دبیرستان و دانشگاه قرار داده شد و کتابهایی چاپ و منتشر کردند که برخی از آن کتاب‌ها به فروش پانصد هزار نسخه و ترجمه به چندین زبان رسیدند (۷۸). افسانه هولوکاست امروزه به نوعی سلاح ایدئولوژیک بی بدیل تبدیل شده است و با خلق و تکامل این سلاح یکی از مهیب‌ترین قدرت‌های نظامی جهان که در عرصه حقوق بشر سابقه‌ای بسیار تاریک و وحشتناک دارد خود را در مقام دولتی مظلوم نشانده است. از مهم‌ترین مزایای این مظلوم نمایی تشکیل دولت غاصب اسرائیل و مصون نگه داشتن اسرائیل از انتقادات منتقدان است.

آنان در توجیه مذهبی مسئله کشتار یهودیان، آن را اولاً خواست خدا دانسته و ثانیاً هیتلر را تنها وسیله‌ای برای تنبیه و بازخرید قوم خدا می‌پندارند، و به کتاب مقدس استناد می‌کنند که آنان قومی هستند که خداوند آنان را کیفر داده و در عین حال برگزیده است!! (۷۹) آغاز اسطوره هولوکاست به اوایل سال ۱۹۴۲ میلادی باز می‌گردد، زمانی که گرایش‌های یهودستیزانه حزب نازی و تلاش آن‌ها برای اخراج یهودیان از آلمان و اراضی تحت اشغال به اوج خود رسید. در این زمان، رسانه‌های تبلیغاتی با استناد به منابع صهیونیستی اقدام به پخش اخباری کردند که فقط بر شنیده‌ها متکی بود و خبر از یک رویداد فجیع و وحشتناک می‌داد که برای یهودیان در حال رخ دادن بود. صهیونیسم علاوه بر تاسیس اسرائیل و تلاش برای تحقق اهداف صهیونیسم بین الملل دو هدف عمده دیگر را از این مظلوم نمایی یهود و تقدس بخشیدن به هولوکاست تعقیب می‌کرد: پیش‌گیری از خیزش عمومی جهانیان علیه صهیونیسم و مظلوم نمایی و برانگیختن احساسات نژاد یهود و ایجاد اتحاد سیاسی بین آنان.

اما هدف اروپا و آمریکا از طرح و تبلیغ و پشتیبانی از هولوکاست را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

الف: تخلیه حداکثری یهود از سرزمین‌های یهودی به یک مکان.

ب. تمرکز دهی به یهود در محل اتصال سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا و استقرار اسرائیل در قلب خاورمیانه برای ایجاد یک پایگاه دیدبانی بر منافع غرب در خاورمیانه.

ج. ایجاد منطقه امنیتی غرب در قلب مناطق اسلامی برای نظارت و دیدبانی بر منافع امنیتی غرب از درون منطقه. اما حقیقت چیست؟

اگرچه اثبات ساختگی بودن این افسانه، مجالی جداگانه می‌طلبد، اما بنا بر ارتباط بحث نگاهی گذرا به ریشه‌های این اسطوره می‌اندازیم برای پرده برداشتن از ماهیت سراسر کذب این ادعا باید ۳ مساله اتاق‌های گاز، سوزانده شدن اجساد و تهیه صابون از اجساد سوزانده شده مورد بررسی قرار گیرد.

اتاق‌های گاز

متهم اصلی جریان یهودی سوزی در دادگاه نورمبرگ (۸۰) فردی به نام رودلف هوس (۸۱) فرمانده نظامی اردوگاه آشویتس (۸۲) می‌باشد. به عقیده وی دست کم دو میلیون و پانصد هزار قربانی در آشویتس از طریق گازدهی و مرده سوزی اعدام و قلع و قمع شده‌اند و دست کم نیم میلیون نفر دیگر از گرسنگی و بیماری از پا درآمده‌اند. (۸۳) وی (رودولف هوس) در تشریح نحوه کشتار در اتاق‌های گاز می‌گوید: نیم ساعت پس از پخش گاز، در اتاق را باز و دستگاه تهویه را روشن می‌کردیم و بلافاصله اجساد را خارج می‌کردیم. سپس مأموران، اجساد را از اتاق خارج و دندانهای طلای اجساد را برمی‌داشتند و در چاله‌ها آتش می‌افروختند و روی آنان روغن انسانی جمع شده می‌پاشیدند. آنها تل اجساد آتش گرفته را به هم می‌زدند تا هوا بهتر به آنها برسد. تمام این کارها را با بی تفاوتی و بی خیالی انجام می‌دادند. انگار یک وظیفه بی اهمیت روزمره را انجام می‌دهند.

مأموران در حال حمل اجساد سیگار می‌کشیدند یا چیزی می‌خوردند و حتی موقع کار با مرده‌ها یعنی سوزاندن اجساد که از مدت‌ها قبل در گور جمعی روی هم انبار شده بودند از خوردن دست بر نمی‌داشتند. آنچه در اعترافات هوس می‌توان یافت اصرار بر احساسی کردن این افسانه است و جالب‌تر اینکه آنها ۲۰۰۰ جسد اشباع شده از سم بسیار خطرناک را آن هم در یک فضای کوچک بدون ماسک ضد گاز و درحالی که سیگار می‌کشیدند یا چیزی می‌خوردند جابجا می‌کردند!!! رودلف هوس در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: در نخستین بازجویی ام، از من با کتک اعتراف گرفتند اگرچه من آن را امضاء کردم ولی نمی‌دانم در آن چه چیزی وجود داشت. (۸۴) روایت دادگاه

نورمیرگ از کشتار با گاز بسیار مبهم است و اگر کسی زحمت بررسی نحوه کشتار با گاز را به خود بدهد متوجه مضحک بودن این اعترافات خواهد شد. ماده سمی ای که به ادعای طراحان هولوکاست، نازی‌ها برای کشتن میلیون‌ها یهودی از آن استفاده کرده‌اند. گاز زیکلون B(85) بوده است.

نزد طرفداران نظریه کشتار یهودیان توسط آلمانها در طی جنگ جهانی دوم بسیار رایج است که تصویری از بسته‌های زیکلون B را با سوء استفاده از بی‌اطلاعی خوانندگان به معرض نمایش بگذارند و هیاهوی تبلیغاتی برپا کنند. اما در میان خوانندگان چند نفر می‌داند که استفاده از گاز زیکلون B در ارتش آلمان به اندازه استفاده از حشره کش د.د.ت در ارتش آمریکا معمول بوده است؟ چند نفر از آنها می‌دانند که این تصاویر ابدأ به معنی قتل عام انسانها نیست، همانگونه که تصاویر یک جعبه محتوی د.د.ت چنین معنایی را افاده نمی‌کند(۸۶)

اینک چند سؤال اساسی در ارتباط با اعترافات و طریقه عملکرد گاز زیکلون B مطرح می‌شود:

۱- چه مدت لازم بود تا گاز زیکلون B عمل کند؟

۲- تا چه مدت گاز در یک فضای بسته فعال می‌ماند؟

۳- آیا آنگونه که ادعا کرده‌اند، ورود به مکان آغشته شده به گاز بدون ماسک آن هم تنها نیم ساعت پس از استعمال آن ممکن است؟

۴- آیا کوره‌های آدم سوزی می‌توانند طبق ادعای آنان روز و شب کار کنند؟(۸۷)

بروشوری که در زمان جنگ در آلمان توسط شرکت مبارزه با جانوران زیان آور چاپ شده است نشان می‌دهد که هشت نوع گاز در آلمان مورد استفاده قرار گرفته که قوی ترین آنها زیکلون B بوده است که به علت قدرت بالای مسمومیت آن برای سم پاشی در مکان‌های وسیع مانند خوابگاه سربازان، سیلوها و کشتی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است و به طور شدید سمی و نابود کننده بافت‌های سلولی ذکر شده است. و از این رو تنها باید توسط افراد آموزش دیده مورد استفاده قرار گیرد.

در عین حال، باید افراد به ماسک ضد گاز با قوی ترین فیلتر یعنی فیلتر جی(۸۸) مجهز باشند، در بند هفت بروشور راهنمای استفاده از گاز زیکلون B آمده است: قابلیت دفع با تهویه سخت و طولانی، با توجه به اینکه این گاز شدیداً به سطوح می‌چسبد، اتاقی که آغشته به گاز زیکلون B است حداقل تا ۲۱ ساعت بعد از انتشار گاز نباید وارد آن شد. افرادی هم که دارای ماسک قوی هستند باید بعد از یک دقیقه به سرعت از اتاق آغشته به گاز زیکلون B خارج شوند.(۸۹) در حالی که هیچ یک از شرایطی که برای اتاق‌های گاز ضروری هستند در اردوگاه‌ها وجود نداشت، و هر کسی که در آنجا کار کرده باشد جان خود و اطرافیانش را به خطر می‌اندازد. هیچ وسیله‌ای نه برای تهویه و نه برای توزیع هوا و نه هیچ امکانی برای افزودن مواد و وسایلی که مورد نیاز گاز زیکلون B است وجود نداشت.(۹۰)

یک اتاق گاز که در آن از گاز زیکلون B استفاده می‌شود باید دارای جداره‌های فولادی ضخیم و یا شیشه‌های بسیار ضخیم باشد، زیرا به علت خلأیی که در این اتاق باید ایجاد گردد هر لحظه امکان انفجار وجود دارد و بسیار فضاحت بار است که اتاقهای گاز ادعایی را مکانی معرفی می‌کنند که از سنگ و گچ و رنگ ساخته شده‌اند. بدون اینکه هیچ اثری از ماشین آلات مورد نیاز برای کشتن نه یک نفر بلکه میلیون‌ها زن و مرد و کودک به جای مانده باشد.(۹۱) خلاصه اینکه دادگاه نورنبرگ در فضایی کاملاً صهیونیستی و ضد نازیسم شکل گرفت و با لحاظ اینکه هیتلر چون مرتکب جنایت شده است، باید قبول کرد که او شش میلیون یهودی راکشته است...

برای پی بردن به اینکه چرا صهیونیسم در افسانه هولوکاست از میان همه روشهای کشتن و قتل عام جمعی روی روش سوزاندن متمرکز شده است می‌توان ۳ دلیل عمده را برشمرد:

الف) از آنجایی که صهیونیسم در خلق این افسانه برای تحت تأثیر قرار دادن مردم بیشتر به جنبه‌های عاطفی این جریان تأکید دارد و برای تحریک عواطف عمومی، بهترین راه، استفاده از احساسات انسانی آنان است، دست به انتخاب این روش برده و در تبلیغ آن با استفاده از فیلم، داستان و رمان‌ها سعی در ایجاد همدردی در میان مردم دارد. همچنین آنها با شرح جزئیات حادثه، با استفاده از نیروی تخیل مخاطب، سعی در عمق بخشیدن در حادثه دارند. مثلاً در اعترافات هوس همانطور که گذشت از زبان وی بی تفاوتی مأموران و زیر و رو کردن اجساد برای بهتر سوختن را گنجانیده‌اند تا با احساسی‌تر کردن داستان ماندگاری آن را در اذهان مخاطبان طولانی‌تر کنند. نتیجه این تبلیغات همین است که امروزه می‌بینیم با اینکه در طول جنگ جهانی اول و دوم تعداد بسیار زیادی از مردم کشته شدند اما مردم شاید تعداد کشته شدگان کشور خود را هم ندانند، اما رقم خیالی ۶ میلیون یهودی همیشه در ذهن مردم باقی مانده است و این نشان از طرحی می‌دهد که نه اتفاقی و ناشیانه بلکه بسیار دقیق و ماهرانه کشیده شده است.

ب) با تأکید صهیونیسم بر کشته شدن یهودیان از طریق سوختن دیگر کسی به دنبال یافتن کوهی از استخوان که بواسطه کشته شدن یهودیان پدید آمده نمی‌باشد و اگر غیر از این باشد مثلاً بواسطه تیر باران ۶ میلیون یهودی از بین رفته باشند و یا حتی بسیار کمتر از این، باید مقدار قابل توجهی از استخوانهایشان باقی مانده باشد که این خود دردسری بزرگ خواهد بود. علاوه بر آنکه سوختن استخوانها، خود بر تحریک عواطف می‌افزاید. (۹۲)

ج) سومین دلیل در تأکید صهیونیسم بر سوختن برای بخشیدن رنگ و لعاب دینی و متقاعد کردن یهودیان بر الهی بودن ایجاد اسرائیل است. سوختن در فرهنگ دینی یهود جایگاهی الهی و قدسی دارد. منبع الهام آنها فقراتی از سفر لاویان است که بنابر مفاد آن هنگام حضورشان در سرزمین مقدس بنابر دستور خداوند موظف بودند قربانی‌هایی برای سوختن به حضور خدا پیشکش کنند: پس گاو را به حضور خداوند ذبح نمایند و پسران هارون کاهن، خون را نزدیک بیاورند و خون را بر اطراف مذبح که نزد در خیمه اجتماع است، بپاشند و پسران هارون کاهن آتش بر مذبح بگذارند و هیزم بر آتش بچینند و پسران هارون کاهن قطعه‌ها و سر و پیه را بر هیزمی که بر آتش مذبح است بچینند. و احشایش و پاچه‌هایش را به آب بشویند و کاهن همه را بر مذبح بسوزانند. (۹۳) بر همین مبنا از دیدگاه ادبیات دینی یهود، یهودیانی که جانشان را در راه خداوند فدا کردند قربانیان معبد مقدس محسوب می‌شوند (۹۴)

صهیونیسم برای اینکه به هدف شوم خود یعنی مهاجرت به اسرائیل برسد حتی از کلام و الهیات یهودی نیز استفاده می‌کند تا جایی که عده‌ای دیگر کشته شدن یهودیان را انتقام الهی دانستند. چرا که آنان به سرزمین مقدس هجرت نکرده بودند!

ساختن صابون از اجساد یهودیان

یکی از شوم‌ترین داستانهای تخیلی که سیمون وایزنتال (۹۵) آن را رایج کرد، از این قرار بود که وی در سال ۱۹۴۲ تغییراتی در اتاقهای اعدام ایجاد کرد، و مدعی شد که این اتاقها دارای زهکشی‌هایی برای جمع‌آوری چربی یهودیان به منظور صابون‌سازی بوده‌اند (۹۶). وی در مقاله‌ای تحت عنوان "R.J.F." نوشت که نازی‌های روی این صابونهای ساخته شده از چربی اجساد یهودیان علامت اختصاری R.J.F را حک می‌کردند که مخفف ۳ کلمه Rein Judisches Fett به معنی "روغن خالص یهودی" می‌باشد.

دادگاه نورمبرگ بی آنکه اقدام به آنالیز شیمیایی این صابونها کند، نمونه‌های آن را تأیید کرد. (۹۷) اما طولی نکشید که دروغ بودن این ادعا روشن شد. چرا که داستان از این قرار بود که آلمان که طی دوران جنگ از کمبود ماده چرب رنج می‌برد، ناچار شد تا تولید صابون را تحت نظارت حکومت قرار دهد و آنچه بر روی قطعات صابون حک شده بود حروف R.J.F نبود بلکه ۳ حرف R.I.F بود که علامت اختصاری عبارت آلمانی Reichsstella Fur Industrielle Fettersergung به معنی "اداره‌ی رایش، (آلمان) برای تأمین مواد چرب" را مشخص می‌کند. حال عده‌ای به عمد یا به خطا R.I.F را R.J.F خواندند و مدعی شدند از چربی اجساد یهودیان صابون تولید می‌شد.

اصولاً طراحان افسانه هولوکاست برای تحت تأثیر قرار دادن عواطف انسانی به نفع صهیونیسم از هر ابزاری استفاده کردند و با ابزار تبلیغی وسیعی که در دست داشتند در تمام اروپا پخش کردند، این تبلیغات چنان وسیع بود که به کسی اجازه فکر کردن را نمی‌داد. مضاف بر این که هر کس کوچکترین تردیدی در اصل ماجرا می‌کرد وی را طرفدار نازیسم معرفی می‌کردند. با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان نتیجه گرفت که متفکران جنبش صهیونیسم در طرح نظریه‌های خود بیشترین تکیه را بر استفاده کردن از ادبیات الهی و فرهنگ مخاطب دارند و همانطور که گفتیم اگر چه هولوکاست افسانه‌ای بیش نیست اما به خاطر انسجام درونی آن و مبتنی بودن بر آموزه‌های دینی یهود، توانست بزرگترین خدمت را در برهه‌ای از تاریخ به صهیونیسم بکند و کمترین آن تشکیل حکومت غاصب اسرائیل بود. علاوه بر اینکه با دستاویز قرار دادن همین افسانه یهودیان میلیاردها دلار از کشورهای میزبان یهود در طول جنگ جهانی اول و دوم غرامت گرفتند و پایه‌های رژیم منفور خود را استحکام بخشیدند.

با این همه هنوز هم در بسیاری از کشورهای غربی و آمریکا، حتی تحقیق در مورد این واقعه ساختگی قانوناً جرم تلقی شده و چه بسیار اندیشمندانی که به بواسطه تردید در وقوع آن حتی در کشور خود مورد آزار و اذیت‌های فراوان قرار گرفته‌اند. که از نمونه‌های آن می‌توان به روزه گارودی متفکر فرانسوی اشاره کرد که با نوشتن کتاب تاریخ یک ارتداد و تشریح ساختگی بودن هولوکاست محاکمه شد. اما گذشته از عوامل داخلی یهودیان که موجب شکل‌گیری صهیونیسم شد، از سویی دیگر عللی بیرونی و حتی در مواردی قدرتمندتر از زمینه‌سازی‌های خود یهودیان در شکل‌گیری این جنبش دخیل بود که مهمترین آن را می‌توان پروتستانتیسم مسیحی نام برد. به نظر پژوهشگران اگر جنبش اصلاح مذهب پروتستانتیسم نبود، مطمئناً صهیونیسم به صورت قدرتمند امروزی ظاهر نمی‌شد. حال اجماًلاً به بررسی روابط متقابل این دو می‌پردازیم.

پروتستانتیسم

پروتستانتیسم در لغت به معنای مکتب اعتراض و مخالفت (۹۸) است. مارتین لوتر (۹۹) کشیش آلمانی در عصری که فروش سند آمرزش گناهان از سوی کلیسای کاتولیک در اروپا رواج داشت، بر ضد این پدیده و خودکامگی این کلیسا شورید و مذهب پروتستان (۱۰۰) را تأسیس کرد. وی تحولات زیادی را در باورهای آیین مسیحیت پدید آورد. لوتر فهم حقایق دینی را از محدوده اعضای رجال کلیسا خارج ساخته و آن را در دسترس ادراک شخصی افراد قرار داد. در حالی که قبل از آن، کلیسای کاتولیک با رد حق استقلال مردم در فهم معارف الهی بر آن بود که آنان باید عقاید دینی خود را، تنها از کلیسا بگیرند. کلیسا و نه کتاب مقدس، تنها مرجع معارف دینی مردم به شمار می‌آمد اما لوتر انسان را آزاد معرفی کرده و تقلید از کلیسا را نفی کرد. این امر میدان استنباطها و اظهار نظرهای متنوع و مختلف از کتاب مقدس را به روی ارباب غرض و بدعت گشود.

همچنین همین رویکرد باعث شد تا باب گرایش و عنایت به تورات در میان پیروانش گشوده شود، و عهد عتیق (تورات) بخش مهمی از منابع اعتقادی مذهب پروتستان را تشکیل داد که بر اساس همین آموزه‌های توراتی، رابطه‌ای ناگسستنی و جاودانه بین یهودیان و فلسطین در ذهن پروتستان‌ها شکل گرفت، که بر اساس آن یهودیان از سرزمین اصلی خویش که فلسطین بوده است اخراج شده‌اند و بنابر پیشگویی‌های موجود در تورات باید بدان بازگردند. (۱۰۱) در حالی که اعتقاد کلیسای کاتولیک آن بود که آن چه به عنوان ملت یهود نامیده می‌شود، از میان رفته و خداوند آنان را به جرم به صلیب کشیدن عیسی مسیح، از فلسطین اخراج کرده است. همچنین کاتولیک‌ها به پیروی از قدیس آگوستین (۳۵۴-۴۳۰ م) بر این باورند که پیش‌گویی‌های مربوط به بازگشت یهودیان به فلسطین اشاره به بازگشت آنان از بابل دارد که در عمل به دست کوروش، پادشاه ایران باستان صورت پذیرفت.

جنبش اصلاحی لوتر اعتبار فراوانی برای زبان عبری قائل شد و با طرح ضرورت بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین به عنوان مقدمه و تمهید ظهور مجدد عیسای مسیح خدمت بزرگی به یهودیان کرد. او تأکید می‌کرد که یهودیان ملت برگزیده خدایند و علی‌رغم مخالفت آنان با مسیح، وعده خداوند با آنان هنوز پابرجاست و از این رو هر کس با این طایفه به مخالفت برخیزد و مانع بازگشت آنان به فلسطین شود دشمن خدا و عیسای مسیح به شمار می‌آید. به خاطر همین نظرات بود که کلیسای کاتولیک لوتر را یهودی یا دست‌کم نیمه یهودی خواند، و وی را اهل بدعت و ضلالت خواند.

حتی بعضی تا بدانجا پیش رفتند که گفتند اساساً مذهب پروتستان، ساخته و پرداخته یهودیان می‌باشد و میان این مذهب و فراماسونری پیوندی اصیل وجود دارد (۱۰۲). لوتر، در آثار خود، هم‌آهنگ با لحن و منطق تلمود اظهار داشت که جهان جز به خاطر بنی اسرائیل آفریده نشده است و در کتاب خود "مسیح یهودی متولد شد" که در سال ۱۵۲۳ منتشر و در همان سال هفت بار به چاپ رسید نوشت: مشیت روح القدس بر آن تعلق گرفته است که تمام کتاب مقدس، تنها از مجرای قوم یهود نازل شود، یهودیان فرزندان خدایند و ما بی‌کسان میهمان آنان هستیم... و باید خشنود باشیم که چون سگان از آن چه از دست ولی نعمتمان فرو می‌افتد ارتزاق کنیم...! (۱۰۳)

اما علی‌الظاهر آنچه لوتر را وادار به تمجید و تعریف از یهودیان می‌کرد جذب کردن آنان به مسیحیت بود. اما وقتی مشاهده کرد یهودیان به جای پذیرش دین مسیح سعی در یهودی کردن مسیحیان دارند وی آنان را برای مهاجرت به فلسطین ترغیب کرد و این آغاز جنبش صهیونیسم مسیحی بود.

جنبش صهیونیسم مسیحی

صهیونیسم مسیحی عبارت است از مجموعه‌ای از باورهای دینی که در زمینه تحقق اهداف صهیونیسم در میان عده‌ای از مسیحیان به ویژه رهبران و اتباع کلیسای پروتستان شایع است (۱۰۴). با توجه به اینکه عمده‌ترین و مؤثرترین ریشه‌های دینی تأسیس رژیم صهیونیستی در جنبش صهیونیسم مسیحی نهفته است و بسیاری از حمایت‌های بی‌دریغ آشکار و پنهانی که در طول سده‌های گذشته تا امروز در کشورهای غربی و به ویژه در طی بیش از نیم قرن اخیر، در ایالات متحده آمریکا به عمل آمده از همین جا نشأت می‌گیرد مقتضی است که این موضوع با تأمل بیشتری مورد بررسی قرار بگیرد. نخستین کسی که اصطلاح صهیونیسم مسیحی را به کار برد تئودور هرتزل بود. او در گفتگوی خود با هنری دونانت (۱۰۵) مؤسس صلیب سرخ جهانی که از جمله ثروتمندانی بود که دست یاری به سوی جنبش صهیونیسم سیاسی دراز کرده بود این تعبیر را به کار برد. دونانت از معدود شخصیت‌های مسیحی بود که برای شرکت در نخستین کنفرانس صهیونیستی شهر بال در سال ۱۸۹۷ م دعوت شده بود.

آن زمان صهیونیست مسیحی تنها به معنای مسیحی‌ای بود که صهیونیسم را مورد حمایت قرار می‌داد اما کم کم در دوره‌های بعد این اصطلاح رنگ دینی به خود گرفت و به معنای کسانی به کار رفت که به کمک خداوند در راه تحقق پیش‌گویی‌های الهی در تورات که منجر به شکل‌گیری رژیم صهیونیستی می‌شود، می‌کوشند. در نگاه صهیونیسم مسیحی اسرائیل تنها یک امر دنیوی و انسانی و حتی سیاسی نیست، بلکه آن، تحقق قضای الهی است. از این رو، مخالفت با سیاست‌های اسرائیل گناهی نابخشودنی و تَمَرَد از مشیت الهی به شمار می‌آید. اما از سوی دیگر، حمایت و تأیید آن، جلب خشنودی خداوند بوده و تقویت نظامی و اقتصادی و کمک‌های مالی و بازاریابی برای محصولات تولیدی و فروش اوراق قرضه آن و راه‌اندازی مؤسسات سرمایه‌گذاری به سود این رژیم و ساخت شرکت‌های صهیونیستی در اراضی اشغالی و تنظیم و توسعه سفرهای توریستی به این سرزمین و... همه از التزامات دینی و تکالیف شرعی است (۱۰۶)

لازم به ذکر است که اصطلاح صهیونیسم مسیحی به معنای خود، پیوندی ضروری میان صهیونیسم و مسیحیت نیست. زیرا صهیونیسم مسیحی در شَرَق وجود ندارد و دو کلیسای کاتولیک و ارتدوکس بر اساس دین مسیحیت با صهیونیسم مخالفت می‌ورزند و حتی ده‌ها اندیشمند مسیحی در غرب مسیحی پروتستان نیز وجود دارند که بر مبنای اصول مسیحیت با صهیونیسم مخالفند. (۱۰۷) صهیونیسم مسیحی مبتنی بر نوعی برداشت خشک و انعطاف‌ناپذیر از کتاب مقدس است که امروزه از آن با نام بنیادگرایی (۱۰۸) نام برده می‌شود. بنیادگرایی به معنای جمود دینی و موضع‌گیری خشک و انعطاف‌ناپذیر در برابر عقیده و اخلاق به کار می‌رود. بنیادگرایان در فهم عهد قدیم (تورات) بر یک موضوع اساسی تأکید می‌ورزند و آن عبارت است از اسرائیل و ملت مقدس و برگزیده آن و ضرورت دفاع از این طایفه و تعلق ابدی سرزمین موعود، یعنی فلسطین به این قوم.

آنان در تمسک ظاهری به کلمه کلمه‌ی متن کتاب مقدس واژه اسرائیل را به معنای رژیم فعلی تفسیر می‌کنند. لازم به ذکر است که مسیحیان هر دو بخش کتاب مقدس یعنی هم عهد قدیم (تورات) و هم عهد جدید (انجیل) را مقدس و معتبر می‌دانند. به عبارت دیگر کتاب مقدس مسیحیان علاوه بر انجیل چهارگانه (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) اعمال رسولان، رسائل رسولان و مکاشفه یوحنا رسول، شامل اسفار ۵ گانه موسی (پیدایش یا تکوین، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه) اسفار تاریخی، اسفار منظوم و اسفار انبیا نیز می‌باشد. (۱۰۹)

رجوع به عهد قدیم و مطالعه آن توسط مسیحیان صهیونیست باعث شکل‌گیری باورهای تازه‌ای در مورد سرنوشت یهودیان در آنان شده که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آنچه در گذشته واقع شده عبارت است از اینکه:

(الف) خداوند یهودیان را به عنوان ملت برتر برگزیده است.

(ب) خداوند فلسطین را میهن قوم یهود قرار داده است.

(ج) یهودیان به خاطر مخالفت با تعالیم الهی مورد کیفر واقع شدند در عین حال خداوند از عهدش در مورد آنان تخلف نکرده و نمی‌کند.

(د) خداوند عیسای مسیح را برای نجات جهانیان فرستاد، اما یهودیان به او ایمان نیاوردند و آنچه در آینده واقع خواهد شد:

(الف) تقدیر الهی متضمن بازگشت مجدد مسیح است.

(ب) بازگشت ملت یهود به سرزمین مقدس موعود (فلسطین) شرط ظهور مجدد عیسای مسیح است.

(ج) تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸م در فلسطین و سیطره کامل یهود بر اورشلیم پس از دو هزار سال، بارزترین نشانه قریب الوقوع

بودن بازگشت مسیح مقدس می‌باشد.

د) همه افراد، گروهها و دولتهایی که با اسرائیل مخالفند دشمنان خدا به شمار می آیند زیرا موجب تأخیر در تحقق پیش گویی های تورات می شوند. این گونه است که اگر مسیحیت، ریشه ها و بنیادهای پیوند یهودیان با اراضی مقدسه (فلسطین) را تبیین نمی کرد... اسرائیل هرگز به وجود نمی آمد (۱۱۰)

علاوه بر تحقق وعده تشکیل دولت اسرائیل که از جانب مسیحیان صهیونیست به عنوان یکی از نشانه های ظهور مسیح تلقی می شود، از دیگر مسائلی که به گونه ای به عنوان یکی از پیش گویی های کتاب مقدس یاد شده و نقطه توافق میان یهودیان و مسیحیان صهیونیست می باشد نبرد هرمجدون است.

تنظیم: بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

www.zionism.blog.ir